

همراه با شاعران پارسی

سروین اعظمی

مؤلف محمود حکیمی



کتابخانه ملی و اسناد ایران

سرشناسه	: حکیمی، محمود، ۱۳۲۳
عنوان و نام پدیدآور	: همراه با شاعران پارسی - پروین اعتصامی / مؤلف: محمود حکیمی
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۴ ص.
شابک	: ۶ - ۷۹۳ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸.
وضعیت فهرست‌ویسی	: فیپا.
موضوع	: اعتصامی، پروین، ۱۲۸۵ - ۱۳۲۰ - نقد و تفسیر
موضوع	: Etesami, Parvin- Criticism and interpretation
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴ - نقد و تفسیر
موضوع	: Persian poetry -20 th century - History and criticism
رده‌بندی کنگره	: PIR ۷۶۱
رده‌بندی دیویی	: ۸۱ / ۶۲
شماره کتابخانه ملی	: ۱۲۱



همراه با شاعران پارسی - پروین اعتصامی

مؤلف: محمود حکیمی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۸

چاپ نازو: ۵۰۰ نسخه

۲۳۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری،

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Ar vannashr.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۵.....	پیشگفتار
۹.....	نگاهی به زندگانی پروین اعتصامی
۱۷.....	استبدادی بدتر از عصر قاجار
۱۹.....	فرمان جدید
۲۹.....	پس فرستادن نشانه وزارت معارف
۳۰.....	فوت پدر
۳۱.....	پروین در بستر بیماری
۳۳.....	اشعار پروین اعتصامی از دیدگاه بزرگان علم و ادب
۳۳.....	۱- علامه محمد قزوینی
۳۶.....	۲- ملک الشعراء بهار
۳۸.....	۳- دکتر غلامحسین یوسفی
۴۰.....	۴- دکتر محمدرضا وصفی
۴۱.....	۵- سرور مهکامه محصص
۴۲.....	۶- سیمین بهبهانی

- ۴۳..... اشعاری سازنده از پروین اعتصامی
- ۴۴..... جز خدا را نسزد رتبت یزدانی
- ۵۵..... مرد یا زن، برتری و رتبت از دانستن است
- ۵۹..... بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن
- ۶۷..... پروین و مسئله «اختیار انسان»
- ۷۵..... نان خود از بازوی مردم مخواه
- ۷۹..... گفته بی عمل چو باد هواست
- ۸۷..... زن از نخستین بود رکن خانه هستی
- ۹۲..... گیمت شرط یکبارگی چیست
- ۹۵..... درین بچه و صفحه سیاهی نیست
- ۹۹..... منشین با رفته ها، سوار
- ۱۰۲..... منابع و مآخذ

پیشگفتار

آشنایی من با اشعار پروین اعتصامی از دورانی آغاز شد که در سال
۱۳۰۸ در دبیرستان، دبیر ادبیات هر بار که به کلاس می‌آمد، قبل از آنکه از
یکی از دانش‌آموزان بخواهد که نوشته خود را - که در آن زمان به آن
انشاء می‌گفتیم - بخواند، خود اشعاری از پروین برایمان می‌خواند.
در دوران تحصیل در دانشسرای عالی تهران - دانشکده خوارزمی
کنونی - هر زمان که فرصت می‌یافتم دیوان اشعار پروین اعتصامی را از
کتابخانه می‌گرفتم و اشعار را با علاقه فراوان می‌خواندم.^۱
مطالعه دیوان پروین اعتصامی بیش از دیوان بانوان شاعر دیگر توجه
من را جلب کرد و آن اهمیتی است که او به مقام بانوان داده است.
جالب اینجاست که پروین ارزش و اهمیت هر بانو را به میزان علم و
دانش او می‌داند، نه موفقیت در خرید لباس و لوازم آرایش و...
پروین در سروده ۱۴۵ که فرشته اُنس نام دارد می‌گوید:
در آن سرای که زن نیست اُنس و شفقت نیست
در آن وجود که دلی مُرد، مرده است روان
به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت
برای مرد کمال و برای زن نقصان

^۱ - تاکنون چندین دیوان پروین اعتصامی از طرف چندین ناشر منتشر شده است. به
نظر من جدیدترین و منظم‌ترین آنها دیوان پروین اعتصامی و فرهنگ بسامدی
اشعار می‌باشد که به کوشش آقای احمد دانشگر در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات
جهانتاب منتشر شد.

... اگر فلاطن و سقراط بوده‌اند بزرگ
 بزرگ بوده پرستارِ خردی ایشان
 وظیفه زن و مرد، ای حکیم دانی چیست
 یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیبان
 چه زن، چه مرد، کسی شد بزرگ و کامروا
 نه داشت میوه‌ای از باغ علم، در دامن

پروین به از آنکه در ادبیات بسیار از مقام زن و ارزش او سخن
 می‌گوید به جهت عیب برخی از زنان اشاره می‌کند:
 ... همیشه فرصت را صرف شد در این معنی
 که نرخ جامه بستان، به بود و کفش فلان
 ... نه بانواست که خود را بزرگ می‌شمرد
 به گوشواره و طوق و به زینت مرغان

و سرانجام پروین نتیجه می‌گیرد که اگر زن به گوهر دانش زینت
 یابد از هر زینت دیگری برای او بهتر است:
 برای گردن و دست نکو، پروین
 سزاست گوهر دانش، نه گوهر الوان^۱

پروین از عاشقان یتیمان و محرومان است. در ابیاتی از مجموعه ۱۳۸
 که طفل یتیم نام دارد، پروین چنین می‌گوید:
 کودکی کوزه‌ای شکست و گریست
 که مرا پای خانه رفتن نیست

^۱ - دیوان پروین اعتصامی، به کوشش احمد دانشگر، ص ۱۵۹.

چه کنم، اوستاد اگر پرسد
 کوزه آب از اوست از من نیست
 زین شکسته شدن، دلم شکست
 کار ایام، جز شکستن نیست
 چه کنم، گر طلب کند تاوان
 جلت و شرم، کم ز مردن نیست
 و این بخشی از ابیاتی بود که در دیوان او طفل یتیم نام دارد.
 گر نگارم هوش من که کوزه چه شد
 سخنم من برای من نیست
 ... چیزها دیده و نخواسته ام
 دل من هم دل است، آهن نیست
 روی مادر ندیده ام هرگز
 چشم طفل یتیم روشن نیست
 کودکان گریه می کنند و مرا
 فرصتی بهر گریه کردن نیست
 دامن مادران خوش است چه شد
 که سر من به هیچ دامن نیست

پروین در سروده ۵۷ که اشک یتیم نام دارد با صراحت می گوید که
 ثروت پادشاهان و طلا و جواهرهایی که بر تاج آنهاست و ثروت درباریان
 از اشک دیده محرومان و خون دل یتیمان است.
 روزی گذشت پادشهی از گذرگهی
 فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
 پرسید زان میانه یکی کودکی یتیم
 کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست

آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست
 پیداست آنقدر که متاعی گرانبهاست
 نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت
 این اشک دیده من و خون دل شماست
 ... بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن
 با بگری که روشنی گوهر از کجاست
 پروین به کج روان سخن از راستی چه سود
 گر از جهان کسی که نرنجد ز حرف راست

آری پروین را اشار خود تلاش می کند که انسان ها را به نیکی و
 نیک خواهی دعوت کند. چنین می گوید:
 جز گرد نکویی مگرد هرگز
 نیکی ست که پاینده در جهان است
 گر عمر گذاری به نیکنامی
 آنگاه تو را عمر جاودان است

از پروین اعتصامی اشعاری را انتخاب کردیم و در کدام را با شرحی
 اندک در کتاب حاضر آورده ام با این امید که خوانندگان از آنها درس
 بیاموزند. آخرین سخن من در این پیشگفتار این است که پروین
 اعتصامی هرگز خود را خالی از عیب و نقص نمی دانست و این استیاز هر
 انسان فرزانه است.

محمود حکیمی

آذرماه ۱۳۹۸